

Feasibility study of Hazrat Fatimah (PBUH) in entering fiction literature

Khadijeh Alemi *

1. Assistant professor and faculty member of the Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 2024/07/09

Received in Revised Format: 2024/08/09

Accepted: 2024/08/31

Published: 2024/09/22

Abstract

The historical-religious novel, whether event-oriented or character-oriented, is one of the branches of religious literature, which is considered a kind of emotion-oriented reading of the sacred past. This format can strengthen and consolidate the collective identity of religious groups. Of course, due to Islam's censorious view of prophets and religious leaders, the introduction of holy events and figures into literature and mixing them with the element of emotion and imagination has a special sensitivity and importance. Since the life of Ahl al-Bayt has always been one of the important subjects of religious literature, it is inevitable to pay attention to the life of Fatima. This article, with an analytical approach, seeks to answer the question, what are the turning capabilities of the biography of Fatimah to enter the fiction literature in Persian language? Considering the whole life and biography of Fatimah (pbuh), it has been argued that her life creates the ability and possibility to influence the story space in three areas: A) The role of women in Jahiliyyah and its comparison with the position of Fatima for the Prophet. B) The devotional life of Fatima and her spiritual status. C) His political intrigues and activism to improve the political vision of the society. Achieving the fact that entering the fiction literature in the context of the life of Fatimah. requires a type of transcendental and sacred novel writing; so that it has the ability to depict the holy matter for the audience; This is the result of this research.

Keywords: Novel, Hazrat Fatimah (PBUH), history, fictional literature, holy matter.

Cite as: Khadijeh Alemi. Feasibility study of Hazrat Fatimah (PBUH) in entering fiction literature. Iranian History of Culture. 2024; 1(1): 1-24.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

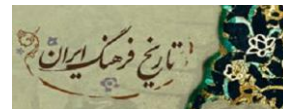
Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2024.19226

*Corresponding Author: Associate Professor of University of Tehran, Tehran, Iran

alemi1900@ut.ac.ir





امکان سنجی سیره حضرت فاطمه (س) در ورود به ادبیات داستانی

خدیجه عالمی^۱

استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

رمان تاریخی- مذهبی، اعم از رمان رویدادمحور یا شخصیت‌محور از جمله فروعات ادبیات دینی است که نوعی بازخوانی احساس‌محور گذشته‌ی مقدس محسوب می‌شود. این قالب می‌تواند تقویت‌کننده و تحکیم‌دهنده‌ی هویت جمعی گروه‌های دینی و مذهبی شود. البته به دلیل نگاه تنزیهی اسلام به انبیاء و رهبران دینی، ورود رویدادها و شخصیت‌های مقدس به ادبیات و آمیختن آنها با عنصر احساس و خیال، دارای حساسیت و اهمیت خاصی است. از آنجا که سیره اهل بیت (ع) همواره یکی از موضوعات مهم ادبیات دینی بوده، توجه به زندگانی حضرت فاطمه (س) غیرقابل اجتناب است. این مقاله با رویکرد تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که سیره‌ی حضرت فاطمه (س) چه نقاط عطف و قابلیت‌هایی برای ورود به ادبیات داستانی در زبان فارسی دارد؟ با نظر به کلیت زندگانی و سیره‌ی آن حضرت به این مدعا پرداخته شده است که زندگانی ایشان در سه محور، قابلیت و امکان تأثیرگذاری در فضای داستانی را به وجود می‌آورد: الف) نقش زن در جاهلیت و مقایسه‌ی آن با جایگاه حضرت فاطمه (س) در نزد پیامبر اکرم (ص) ب) سیره‌ی عبادی حضرت فاطمه (س) و جایگاه معنوی ایشان ج) فتنه‌های سیاسی و کنشگری ایشان جهت ارتقای بینش سیاسی جامعه. دستیابی به این مطلب که ورود به ادبیات داستانی در زمینه سیره‌ی حضرت فاطمه (س)، نیازمند گونه‌ای از رمان‌نویسی استعلایی و قدسی است؛ چنان‌که توانایی تصویرسازی امر قدسی را برای مخاطب داشته باشد؛ دستاورد این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: رمان، حضرت فاطمه (س)، تاریخ، ادبیات داستانی، امر قدسی

نحوه ارجاع: "خدیجه عالمی. امکان سنجی سیره حضرت فاطمه (س) در ورود به ادبیات داستانی". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۳، ۱(۱): ۵۵-۷۰.

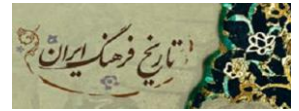
صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.19226





مقاله پژوهشی

مقدمه

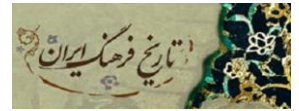
کارکرد هنر در جهان اسلام بسیار ضروری و حایز اهمیت است. از مهمترین چالش‌های مطرح در هنر، چگونگی نمایش امر قدسی و جنبه‌های الوهی در شکل‌های گوناگون است. بازنمایی شخصیت‌های قدسی مانند امامان و پیامبران به دلیل چالش‌های مرتبط با بازتاباندن جنبه‌های قدسی فرد یا حادثه مرتبط، به آسانی قابل انجام نیست و نیازمند بررسی و بازبینی مفاهیم هنری است. در این گونه از ادبیات داستانی هدف به نمایش گذاشتن جنبه‌های الوهی و متعالی است که بسیار فراتر از هنر برآمده از عقل بشر است. بنابراین در سبک رمان‌نویسی استعلایی می‌بایست شخصیت مدنظر و کلیت نوشتار به گونه‌ای تنظیم گردد و از شیوه‌هایی استفاده شود که به شکل مطلوبی، توانایی انتقال امر قدسی را داشته باشد.

یکی از مهمترین جنبه‌های ادبیات استعلایی و مقدس، گونه‌ی رمان تاریخی- مذهبی است. در این میان، تاریخ اسلام مشحون از موضوعاتی با جنبه‌ها و ابعاد دینی است که ظرفیت‌های ادبی قابل توجهی دارند. از جمله شخصیت‌های تاریخ اسلام حضرت فاطمه (س) است که به سبب احترام و قداست، سیره و سلوک ایشان در قرون متمادی الگوی جامعه‌ی زنان مسلمان بوده است. به همین دلیل این مقاله در پی شناسایی و استخراج ظرفیت‌ها و برجستگی‌های زندگانی حضرت فاطمه (س) جهت آفرینش یک اثر ادبی و خلق رمان است تا با نگارش رمان‌های فاطمی که می‌توانند روشنگر فضای فکری جوامع مسلمان باشند، ابعاد مختلف زندگانی و سیره‌ی اخلاقی آن حضرت آشکار شود.

در این پژوهش پنج نمونه از ادبیات داستانی با عناوین «شبییه مریم»، «ناتا»، «به امید دیدار»، «داستان فاطمه» و «کشتی پهلو گرفته» مورد مطالعه قرار گرفته و به بررسی این مساله پرداخته شده که ادبیات داستانی در بازتاب سیره حضرت زهرا (س) با چه موانعی روبرو است؟ تأثیرات این موانع بر مخاطبان چگونه است؟ و چه راهکارهایی جهت بازتاب مضامین قدسی در رمانهای فاطمی می‌توان ارائه کرد؟

پیشینه و روش تحقیق

نویسندگان معدودی برای به تصویر کشیدن زندگانی حضرت زهرا (س) در قالب رمان دست به تحریر زده‌اند. در سال‌های اخیر رمان‌ها و داستان‌های کوتاه در ایران، انتشار یافته است که هر کدام از آنان به جنبه‌هایی از سیره‌ی آن حضرت نظر داشته‌اند. به نظر می‌رسد، هیچ یک از آثار در بازتاب امر قدسی پیرامون زندگی ایشان، کافی و وافی به مقصود نبوده است. این امر بیشتر به عدم تأملات هنری در حوزه امر قدسی مربوط است. از این رو تعداد مقالات و کتبی که به بازسازی داستانی زندگانی حضرت زهرا (س) اختصاص یافته‌اند، اندک است. در این میان می‌توان به مقاله «بررسی تصویرسازی زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س) در نسخه‌های چاپ سنگی طوفان البكاء» نوشته فاطمه عسکری اشاره نمود. در این مقاله تمرکز اصلی بر تصویرسازی در متون تاریخی مانند طوفان البكاء است. همچنین مقاله «فاطمه الزهرا (س) حقیقت لیل القدر» از اکرم السادات هاشمی‌نژاد را می‌توان نام برد. این مقاله به سبب توجه به جنبه‌های معنوی حضرت زهرا (س) دارای اهمیت است. مقاله دیگر با عنوان «زهرا آسمان، زهرا زمین: تبیین عرفانی مقام فاطمه زهرا (س) از محمدجواد رودگر و مائده شاکری» راد است که به مقامات عرفانی آن حضرت اشاره نموده است. این مقاله بخش‌های قداست و معصومیت فاطمه الزهرا (س) را به تصویر کشیده که برای نوشتار حاضر مفید است.



با این همه، این پژوهش با آثار ذکر شده متفاوت است و بر شیوه‌ی مطلوب ارائه تصویری فاخر از حضرت فاطمه (س) در قالب رمان و داستان تمرکز دارد.

بحث (متن مقاله)

موانع بازتاب امر قدسی در رمان‌های فاطمی

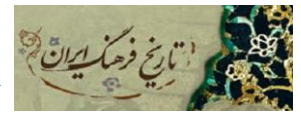
الف) حاشیه‌نویسی

یکی از موارد مهم و ضروری که در رمان‌های تاریخی مذهبی کاربرد یافته و سبب بازتاب نابهنجار شخصیت قدسی در رمان شده؛ حاشیه‌نگاری است. منظور از حاشیه‌نگاری استفاده از شیوه‌ی پرداخت غیرمستقیم به اشخاص است. در اغلب موارد رمان‌های فاطمی توانایی پرداختن به شخصیت قدسی ایشان را نداشته‌اند؛ از این رو در همان مرحله اول و انتخاب موضوع به چنین معضلی دچار شده‌اند. برای نمونه می‌توان به رمان «شبیبه مریم» اثر اکرم صادقی اشاره کرد که بنابر روایت زندگانی فضا، خادمه حضرت فاطمه (س) سامان یافته است و نویسنده تلاش نموده به طور غیر مستقیم به شخصیت اخلاقی و معنوی آن حضرت توجه نشان دهد:

«اندیشیدن به حوریه و رائف باز هم فضا را تا صبح بی خواب کرده بود. صدای دلنشین پیامبر که آیه تطهیر را تلاوت می‌کرد او را به خود آورد. صدای مهربان و زیبای پیامبر که کلمات آسمانی قرآن را تلاوت می‌کرد برایش بسیار دوست داشتنی و دلنشین بود. بی آنکه از جایش برخیزد و حرکت کند چشم‌هایش را بست و به آن گوش جان سپرد. پیامبر هر روز قبل از نماز جلوی خانه بانویش می‌ایستاد و آیه تطهیر را با صدای بلند می‌خواند. فضا دیگر شناخت خوبی از زبان عربی داشت و می‌دانست آیات قرآن با زبان عربی تفاوت بسیار دارد. او که بسیار مشتاق یادگیری قرآن بود با شنیدن هر روز آیات، آن هم با صدای روحبخش و دلنشین پیامبر به راحتی آن را حفظ می‌شد. در طول روز با دقت فراوان به آیه‌های قرآنی که بانویش تلاوت می‌کرد گوش می‌داد و آنها را تکرار می‌کرد و به خاطر می‌سپرد. برای فضا بسیار مهم بود که قرآن را به شیوه پیامبر و بانویش فاطمه و اربابش علی بیاموزد؛ زیرا آنان بهترین و آگاه‌ترین مردمان به قرآن و کلام پروردگار بودند.» (صادقی، ۱۳۹۹: ۲۵۸-۲۵۷)

رمان «ناتا» اثر زهرا باقری نیز بر این اساس نوشته شده است. این رمان حکایت دختر کنیزی را بازگو نموده که در برهه‌ای از زندگی‌اش وارد مدینه می‌شود. نویسنده در قالب زندگانی کنیز مذکور، اتفاقاتی مانند هجرت، غزوات و سرایای دوره مدنی، ماجرای غدیر، رحلت پیامبر (س)، ماجرای سقیفه و شهادت حضرت فاطمه (س) را به تصویر کشیده است. برای نمونه می‌توان به این فراز ناتا اشاره نمود: «فضا کنارم نشست با هم حرف زدیم؛ گفت از فاطمه برایم بگو. فضا می‌گفت و من هر لحظه عاشق‌تر از قبل می‌شدم. موقع خداحافظی به من گفت قدر همسایگی رسول خدا و دخترش را بدان. گفتم سپاسگزار خداوند هستم» (باقری، ۱۳۹۹: ۱۹۳)

رمان «به امید دیدار» اثر مریم شریف نظریان نیز بر اساس زندگی دختری به نام اشواق شکل می‌گیرد که پس از همسایه شدن با حضرت فاطمه زهرا (س) تحولات روحی و معنوی را تجربه می‌کند. در این رمان نیز حاشیه‌نویسی موجب کم رنگ شدن چهره قدسی شده است. در فرازی از این رمان درباره عروسی حضرت فاطمه (س) چنین آمده است: «در چوبی خانه



مقاله پژوهشی

پیامبر باز شد عروسی که قامت متوسط و اندام ظریفش را چادری سپید در بر گرفته بود، از در بیرون آمد. اشواق تمام حواسش را در چشم‌هایش گذاشت تا فاطمه را ببیند. آنچه تا آن لحظه از آن دختر نه ساله شنیده بود، برایش باور کردنی نبود. انگار داشت افسانه می‌شنید یا به داستان‌های ادهم گوش می‌داد. (شریف رضویان، ۱۴۰۳: ۱۱۱) نویسنده تلاش نموده تا توصیف حضرت فاطمه (س) را به گونه‌ای ارائه دهد که جنبه قدسی داشته باشد. اما واژگانی مانند «اندام ظریف» امر قدسی را مختل نموده است. همچنین در ماجرای فدک نیز امر حاشیه نگاری به خوبی نمایان است:

«دست اشواق به تیرک وسط طویله بسته شده بود. حال جسمی‌اش رو به بهبودی می‌رفت اما روح زخم خورده‌اش لحظه‌ای راحتش نمی‌گذاشت. ... مدام از خودش می‌پرسید: چرا؟ چرا ابوراشد دختر زاییدن را گناهی نابخشودنی می‌دانست؟ چرا دخترکان بیگناه خودش را زنده به گور می‌کرد؟ چرا فرزندان یتیم پسرش را به جرم دختر بودن در آغوش نمی‌گرفت و تحمل رنج بی‌پدری را بر آنان آسان نمی‌کرد؟ او بارها و بارها این آیه را برای خودش تکرار می‌کرد و آنگاه که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود به کدام گناه کشته شده است... طنابی که دستش را با آن به تیرک بسته بودند. آن قدر محکم بود که برای باز کردنش هیچ کاری نمی‌توانست بکند. تیرک هم ستون سقف طویله بود و از جادر آوردنش کار بدن ضعیف و ناتوان او نبود. تنها امیدش برای فرار زمانی بود که او را به آبریزگاه می‌بردند هر چند در آن زمان هم دنیا سایه به سایه‌اش می‌آمد از وقتی در آن طویله زندانی شده بود. ابوراشد را فقط یک بار دیده بود اما دنیا روزی چند بار به سراغش می‌آمد. ... در طویله باز شد. کنیز دنیا برایش صبحانه آورده بود کنیز دستمال دور دهانش را باز کرد. و لقمه‌ای نان و خرما در دهانش گذاشت ... اشواق لقمه‌اش را فرو داد و لب زد: «پس این جا فدک است مرد دیگری گفت: فدک متعلق به دختر پیامبر بود اما حالا دیگر نیست، خلیفه مسلمین امر کرده است فدک به بیت‌المال مسلمین ملحق شود تو هم دیگر در این جا کاری نداری شنیدن این سخنان مثل صاعقه بر سر اشواق فرود آمد: «خلیفه مسلمین؟ آه یعنی پیامبر از دنیا رفته است؟ اما مگر پیامبر علی را جانشین و خلیفه بعد از خود معرفی نکرد؟ آیا علی فدک را به بیت‌المال ملحق کرده است؟ نه نه محال است مگر این که شخص دیگری خلیفه شده باشد! ناگهان با صدای بلند فریاد زد: «ای مردها نزدیک‌تر بیایید و به سخنان من گوش کنید آن روز که رسول خدا فدک را به فاطمه بخشید من آن جا بودم چه کسی گفته است که فدک متعلق به فاطمه نیست؟ در طویله باز شد و آن دو مرد داخل شدند. مردی که مأمور بیرون راندن نماینده دختر رسول خدا از فدک بود با لبخندی به اشواق خیره شد و گفت: تو این جا چه می‌کنی ضعیفه؟ تو یک زنی شهادت دادنت اصلاً قبول نیست، جناب خلیفه از رسول خدا شنیده است که پیامبران از خود ارثی بر جا نمی‌گذارند.» (شریف رضویان، ۱۴۰۳: ۳۰۵-۳۰۷)

سبک حاشیه‌نویسی در مواقعی کاربرد دارد که منظور نویسنده از بیان داستان، استفاده از تخیلات شاعرانه و ایجاد فضای مناسب برای انتقال مضامین اخلاقی است. به نظر می‌رسد در رمان‌های فاطمی به دلیل قرارگیری الگوی داستان (فاطمه الزهرا (س)) در حاشیه، مضامین هدف نیز به حاشیه رانده می‌شوند. یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های قدسی، اصالت داشتن در متن داستان و ایجاد خط متعالی در فقرات اثر است. در حاشیه قرار گرفتن چنین اشخاصی (به عنوان مقصود اصلی داستان) گونه‌ای انحراف و کژتابی را در زاویه دید ایجاد نموده و سبب کم‌رنگ شدن هاله‌ی قدسی داستان می‌شود.

ب) محاوره‌نویسی

از دیگر موانع بازتاب امر قدسی در رمان، انتخاب نوع قلم و زاویه دید و تلفیق این دو با یکدیگر است. محاوره‌نویسی در رمان‌های تاریخی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد این امر به دلیل ضعف آن در ایجاد هیبت (از ویژگی‌های

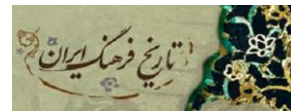


امور قدسی) و حس نوستالژی در خواننده است. همچنین زاویه دید دانای کل و ادغام آن با محاوره‌نویسی دارای بار عاطفی خاصی است و قصد نویسندگان از انتخاب چنین ترکیبی اغلب ایجاد نزدیکی و همدردی در مخاطب است. با این همه باید اذعان نمود که بهره‌گیری از آن در شخصیت قدسی نه تنها موجب تقویت سمبل قدسی داستان نخواهد شد؛ بلکه به دلیل نزدیک شدن مخاطب به امر قدسی، سبب فروکاستن هیبت در امر قدسی و کاهش جذابیت آن خواهد شد. برخی رمان‌های فاطمی با چنین شیوه‌ای به نگارش درآمده‌اند. از جمله کتاب «داستان فاطمه» به نویسندگی علیرضا نظری خرم از اینگونه موارد است. یکی از ویژگی اصلی کتاب استناد به منابع تاریخی و نیز بهره‌گیری از منابع کهن است. این کتاب فقرات زندگی حضرت فاطمه (س) از خلقت نوری وی در جهان ازل تا شهادت و حضور وی در آخرت را در بر گرفته است. نکته‌ای که در نقدهای پژوهشگران و منتقدان ادبی نیز نمود دارد، نوع ادبیات به کار رفته در این کتاب است. زبان کاملاً محاوره‌ای برای توصیف شخصیت‌های مقدس در این اثر برجسته است.

نکته قابل ذکر در این کتاب توصیف شخصیت حضرت فاطمه (س) در ازلیت و ابدیت، در قالب روایات خلقت نوری و حضور فاطمه زهرا در قیامت است: «آدم ابوالبشر از اون روزها اینطور یاد میکنه بعد از آفرینش شاد و سرخوش داخل باغستانی زیبا راه می‌رفتم و به اطرافم نگاه می‌کردم. ناگهان به ذهنم اومد که قد و قواره من از همه آفریده‌های خدا خوشگل تره. با هزار ناز و کرشمه به خدا عرض کردم اینطور که پیدا تا حالا کسی را به زیبایی من خلق نکردی؟ به محضی که خدا حرفم رو شنید انگاری معاذالله به تریج قباش برخورد کرده باشه اشاره‌ای به من کرد و فرمود حالا که اینطور سرت را بلند کن و نیم‌نگاهی به اونطرف باغ بندازه..... پنج تا تصویر قاب شده زیبا روی دیوار تالار بود. زیر هر کدام اسامی صاحب عکس نوشته شده بود. به تمثال سوم رسیدم جلوی تصویر میخکوب شدم محو نگاه عکس شدم که دیدم زیرش نوشته من فاطرم و این هم عکس فاطمه» (نظری خرم، ۱۴۰۰: ۵-۷) اما این امر در کلیت داستان جایگاه مناسب خود را باز نیافته و تحت تاثیر شیوه بیان داستان (زبان محاوره) قرار گرفته است. اگرچه لفظ تریج قبا یا اصل صحبت کردن خدا با آدم، ظرفیت پرداخت تکنیک‌های فضای قدسی را دارا است؛ اما نویسندگان آن را به شیوه‌ای بیان کرده که به قدسی‌زدایی منجر شده است.

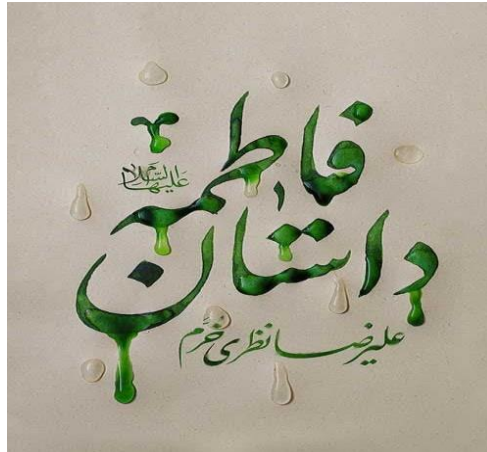
نکته‌ی حائز اهمیت آن است که باید کوشید تا سطح مخاطبان رمان، بوسیله قلمی آراسته و پیراسته افزایش یابد. این امر پیرامون رمان‌های تاریخی که شخصیت‌های مقدس را روایت می‌کنند، اهمیت مضاعف می‌یابد. جهت تکمیل این نکته‌ی مهم، بایسته است تا گوشه‌ای از متن کتاب «داستان فاطمه» درمورد تولد فرزند حضرت فاطمه (س) از دیده گذرانده شود:

«وقت زایمان فاطمه فرا رسیده بود... خیلی زود آب گرم و بقیه چیزها که این جور وقت‌ها لازمه، آماده شد. قابله که اومد، پیامبر پارچه سفیدرنگی بهش داد و سفارش کرد نوزاد رو بعد از تولد به این پارچه بیچ و به دستم بده! فرزند نازنین خانوم فاطمه زهرا با سرسلامتی و عافیت به دنیا اومد. پسری زیبا و لپ گلی و کاکل‌زری! از بس که قابله حواسش به فاطمه و نوزاد بود و توصیه پیغمبر رو فراموش کرد و بچه رو اشتباهی با پارچه‌ای زردرنگ قن‌داق پیچ کرد. فاطمه زهرا داخل بستر دراز کشیده بود و استراحت می‌کرد. به محض اینکه چشم باز کرد نگاهش افتاد به شوهرش علی که لبخند به لب داشت. از تبسم شیرین پسر ابوطالب، حال خوشی به خانوم دست داد. پیامبر بیرون اتاق به انتظار ایستاده بود. با شنیدن صدای نوزاد از پشت درب اتاق، قابله رو صدا زد و فرمود: فرزندم رو بیار تا ببینم. حضرت فاطمه نگاه کم‌رمقش رو به علی دوخت و عرض کرد: بهتره



مقاله پژوهشی

زودتر برای بچه اسمی انتخاب کنی! علی خنده‌ای کرد و فرمود: من؟! من اسم انتخاب کنم؟! نه فاطمه‌جانم، من به هیچ وجه توی انتخاب اسم بر پیامبر پیشی نمی‌گیرم.» (نظری خرم، ۱۴۰۰: ۱۲۷)



داستان فاطمه اثر علیرضا نظری خرم

پرداخت داستان به سبک محاوره به گونه‌ای است که عناصر قدسیت از تصویرسازی در اطراف حضرت فاطمه زهرا (س) و امام علی (ع) زدوده شده است. به نظر می‌رسد لزومی به تصویرپردازی در اطراف زایمان شخصیت قدسی، نبوده است. در حقیقت قلم محاوره، توانایی پرداخت الوهی از زایمان شخصیت قدسی را از نویسنده سلب نموده و آن را به گونه‌ای ابتدال ادبی نزدیک کرده است. به نظر می‌رسد این امر به برداشت نویسنده در باب زایمان مریم (س) و تصویرسازی آن در قرآن تکیه داشته است. لیکن باید توجه داشت که عناصر قدسی در قصص قرآن به گونه‌ای ترتیب یافته که هاله الوهی در اطراف شخصیت مریم نه تنها کاهش نیافته، بلکه اعتلا یافته است. احتمالاً کارکرد محاوره‌نویسی و استفاده از زبان عامیانه در کتاب «داستان فاطمه» بیشترین ضربه را به فقرات داستان وارد کرده است.

ج) سبک خطبه‌محورانه

یکی دیگر از موانع انتقال مضمون قدسی در رمان، سبک خطبه‌محورانه است. در داستان‌نویسی به سبک خطبه‌محورانه مولفه‌های مذهبی به شکل آشکار خود را نشان می‌دهند. البته نمی‌توان مدعی شد که چنین سبکی به طور قطع از موانع بازتاب امر قدسی است. اما می‌توان مدعی بود که فضای رمان بیش از آنکه با فضای خودآگاه انسان‌ها مربوط باشد، بر بخش ناخودآگاه ذهن موثر است. از این‌رو در داستان‌ها و رمان‌هایی به سبک خطبه‌محور به دلیل وضوح و شفافیت امر قدسی و مذهبی به شکل امر خودآگاه، نمی‌توان انتظار تاثیرگذاری حداکثری داشت. امر قدسی به دلیل فراطبیعی بودن، برای بازتاب خود در قالب رمان، نیازمند ایجاد فضای سمبلیک و گاه تخیلی و فانتزی است. از این رو فهم امر قدسی در قالب رمان تنها از طریق انتقال به بخش ناخودآگاه امکان‌پذیر است.

از مولفه‌های سبک خطبه‌محورانه بهره‌گیری مستقیم و آشکار از منابع روایی و دینی است. در بخشی از رمان «ناتا» به شکل نامطلوبی، روایات به زبان عربی مورد استفاده قرار گرفته است:



مقاله پژوهشی

« قیس! فتنه‌ای که پیامبر می‌گفت شروع شد. حرف حسابشان چیست؟ چه می‌خواهند؟...گفتم: خدا به خیر کند. دستانش را بالا برد و گفت: آمین. گفتم: علی حق انصار را نمی‌گیرد. چرا می‌ترسند؟. گفت: علی را نمی‌شناسند. حسد چشمانشان را کور کرده. حب رسیدن به قدرت، جلو دیدن اصل دین را گرفته است. تک‌تک ایشان از پیامبر شنیده‌اند: «علی مع الحق» (باقری، ۱۳۹۹: ۴۰۰-۴۰۱).

همچنین روایت معروف حضرت فاطمه (س) در مورد جایگاه امام نیز در اوج حوادث سیاسی و تصاحب خلافت، در این رمان از زبان آن حضرت این‌گونه توصیف شده است:

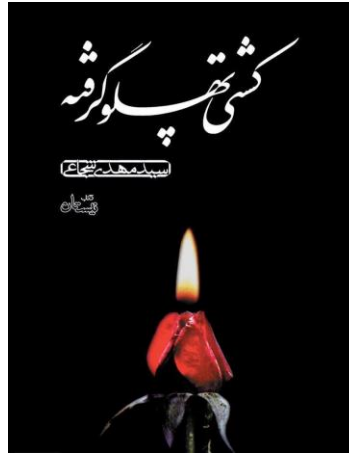
گفتم: بانوا من در این شهر غریبم... نمی‌توانم حق و باطل را تشخیص بدهم. راه سعادت را به من نشان بده. آب دهانش را قورت داد و به سختی گفت: انّ السّعیّد، کلّ سعید، حقّ سعید من احبّ علیّ فی حیاته و مماته. جوری نام علی را می‌گفت که انگار همه وجودش را در عین، لام و ی می‌ریخت و ادایش می‌کرد. نگاهی به علی که در اتاق روبرو مشغول نوشتن چیزی بود انداخت و گفت: مثل الامام کمثل الکعبه اذ تؤتی و لا تأتی: امام مثل کعبه است، شما باید به دنبال او باشید نه آنکه امام در پی شما باشد» (باقری، ۱۳۹۹: ۴۲۴).



رمان نانا اثر زهرا باقری

در رمان «کشتی پهلو گرفته» هر چند این امر کمتر مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما گونه‌ای روضه‌خوانی مکتوب قابل مشاهده است. با وجود اینکه نمی‌توان از محاسن استفاده از مآثر دینی و الگوهای آن چشم پوشید، اما باید اذعان نمود که جایگاه رمان در ایجاد سمبل‌ها و اسطوره‌ها و نقش آن بر بخش ناخودآگاه ذهن تعریف می‌شود و سبک‌هایی از این دست عموماً کارایی مربوطه را ندارند. شجاعی در باب حوادث پس از رحلت رسول اکرم (ص) می‌نویسد: «در آن وانفسای بعد از وفات نبی که همه مرتد شدند جز چند تن، چشمه زلال اسلام محض از خانه تو می‌جوشید. در آن طوفان‌ها که کشتی اسلام را دستخوش امواج جاهلیت می‌کرد، تنها لنگر متین و استوار، لنگر رضای تو بود. در آن گردبادهای سهمگین پس از وفات پیامبر که حق در زیر پای مردم، کعبه در پشتشان، پیامبر در زوایای غفلت‌زده و زنگار گرفته دل‌هایشان و شیطان در عقل و چشم و گوششان جای می‌گرفت، جاده منتهی به خانه تو، تنها طریق هدایت بود که بی‌رهره مانده بود. در آن ابتدای میعاد مستمر موسای اسلام، که سامری بر منبر هدایت نبوی و ولایت علوی تکیه می‌زد، تنها تجلی انوار ربوبی بر درختان خانه تو بود.»

(شجاعی، ۱۴۰۰: ۳۲). سبک فوق در جایگاه رمان قرار نمی‌گیرد و در حقیقت گونه‌ای از همدردی بر اساس متون تاریخی است. این در حالی است که فضاسازی و تخیل در رمان تاریخی برای ایجاد فضای قدسی و اسطوره‌ای بسیار ضروری است.



رمان کشتی پهلوگرفته اثر سیدمهدی شجاعی

۴. راهکارهای بازتاب امر قدسی در رمان‌های فاطمی

الف) سوگی زنانه

از سبک‌های عمده‌ی به کار رفته در رمان‌نویسی، سبک تاریخی است. رمان تاریخی آن دسته از رمان‌هایی است که در گذشته اتفاق افتاده و به ملزومات تاریخی عصر مورد نظر، جهت به تصویر کشیدن جزئیات رمان توجه دارد. بدین جهت رمان‌های تاریخی جایگاه مناسبی برای تصویرسازی امر قدسی خواهند داشت. یکی از مزیت‌های تاریخ اسلام وجود زنانی با عناصر قدسی در آن است. بدین سبب قرآن به عنوان منشأ امور قدسی در اسلام، زنان بزرگ الهی را به عنوان اسوگانی برای بشریت به نمایش گذاشته است.

قرآن بدون ذکر نام، از مادر موسی به بزرگی یاد می‌کند. او پس از شکرگزاری به درگاه خداوند و اظهار رضایت و تبعیت از دستور الهی، بار دیگر موسی را که در نیل رها کرده بود در آغوش گرفت. چنان که خداوند او را مورد توجه قرار داد و فرمود: «غمگین مباش که موسی را به تو باز می‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم.» (قصص، ۷) از دیگر زنان الگوی قرآنی، مریم است. هر زمان زکریا وارد محراب مریم می‌شد غذای مخصوصی در آن جا می‌یافت که از سوی پروردگار به او بخشیده شده بود. مریم افق جدیدی از ارتباط با خدا را برای جهانیان گشود. حتی زکریا تحت‌تأثیر مقام مریم و عنایت خداوند به وی قرار گرفت. (آل عمران، ۵۴-۵۵) مریم این برتری را به پاس خضوع و سجده در برابر آفریدگار خود دریافت کرد.

حضرت فاطمه زهرا (س) نیز از جانب خداوند غذای بهشتی دریافت می‌کرد و پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمود: «این امر همانند جریان زکریا است که در کنار محراب مریم آمد و غذای مخصوصی در آن جا دید و از او پرسید: ای مریم این غذا از



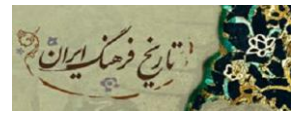
کجاست؟ او گفت: از ناحیه خداست.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۳۳۹) فاطمه نوری بود که خداوند آن را در قلب رسول امین اشراق کرد. پیامبر اکرم (ص) دست فاطمه را می بوسید و می فرمود: من بوی بهشت را از فاطمه استشمام می کنم. (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/۱۰۵) آن حضرت تاب دوری او را نداشت و هرگاه از مدینه خارج می شد به هنگام بازگشت، اولین ملاقات خود را به فاطمه اختصاص می داد. خداوند دل و اعضای فاطمه را از ایمان و یقین سرشار کرده بود. (سلطان الواعظین، ۱۳۶۶: ۷۰۷) چنان که رسول امین فرمودند: «زمانی که دخترم فاطمه در محرابش برای عبادت قیام می کند، نورش برای ملائکه در آسمان ظاهر می شود؛ همان گونه که نور ستارگان برای اهل زمین آشکار می گردد.» (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ۱/۱۴۷) فاطمه زیباتر از حُسن خُلق است (عسگری، ۱۳۹۴: ۶)؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر حُسن خُلق به تجسم کشیده شود؛ فاطمه برتر از آن خواهد بود. (ابن شاذان، ۱۴۰۷: ۱۳۶؛ حمویی جوینی، ۱۴۰۰: ۲/۶۴)

ب) جایگاه علمی حضرت فاطمه (س)

یکی از ویژگی های حضرت زهرا (س) که در قالب رمان تاریخی می تواند مورد استفاده قرار گیرد، جنبه های علمی آن حضرت است. این امر زمانی می تواند مورد تحلیل ادبی قرار گیرد که زمینه اجتماعی و تاریخی زندگانی آن حضرت و فضای نگرش اجتماعی نسبت به زنان به درستی به تصویر کشیده شود. بدین منظور یکی از مهمترین عناصر قابل طرح، مفهوم جاهلیت است. جاهلیت یک مفهوم کاملاً قرآنی است که از متن مقدس مسلمانان به تاریخ راه یافته است. این مفهوم برآمده از وحی، بر اساس دوری و نزدیکی با فرهنگ الهی تعریف می شود. سایه های جاهلیت، به طرز چشمگیری بر زنان افتاده بود. تا جایی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) نیز علی رغم اصلاحات راهگشا در حوزه زنان توسط ایشان، باز هم عده ای در مقابل اصلاحات پیامبر اکرم (ص) مقاومت می کردند و بر استمرار سنت های جاهلی پیرامون مسائل زنان اصرار می ورزیدند.

ورود به دریچه ی زندگی حضرت زهرا (س) به عنوان یکی از بانوان شاخص تاریخ اسلام، می تواند این بهانه را به نویسنده ی رمان بدهد تا به ناراستی ها و کژی های جامعه ی جاهلی نسبت به زن، در گونه ی ادبیات بکاود و سپس با پرداختن به تولد و زندگی حضرت فاطمه (س) و جایگاه ایشان نزد پیامبر اکرم (ص) و شدت توجه ایشان به وی (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/۱۰۵)، مخاطب را به طور غیرمستقیم و ناخودآگاه به مقایسه ی جایگاه زن در اسلام و عصر جاهلیت بکشاند. این موضوع با توجه به عداوت ها و ستیزه جویی های جهان غرب با اسلام پیرامون مسائل زنان، اهمیت زیادی دارد و از آنجا که دنیای ادبیات اعم از شعر و رمان قدرت تأثیرگذاری فوق العاده ای دارد، می تواند تا حد قابل قبولی پیرامون جایگاه زن در اسلام، روشنگر و تبیین کننده باشد.

یکی از مصادیق مقایسه ی وضعیت زنان در اسلام و دوران جاهلیت، مقایسه ی علم جویی زنان در این دو دوره است. تلاش برای رشد آگاهی های معنوی، سیاسی و اجتماعی از شاخصه های والای انسان است. جایگاه علم و جستجوی آگاهی در اسلام روشن و آشکار است (ابن ماجه، بی تا: ۸۱/۱). این امر در قرآن کریم نیز در آیات متعددی مصداق دارد که انسان را به علم جویی توصیه می کند و این ویژگی را می ستاید. این توصیه ها در دوران پیامبر اکرم (ص) جامعه را از فضای جاهلی دور می نمود. چنان که زنان مشتاقانه پا به پای مردان برای کسب آگاهی تلاش می کردند. آنها همچنین با حضور در نمازهای جماعت سعی می کردند نیاز خود را به کسب علم، اغنا کنند. این امر تا حدی بود که پیامبر اکرم (ص) یکی از روزهای هفته را برای پاسخگویی به سؤالات زنان قرار داد. (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۲۲، ۳۲/۱)



مقاله پژوهشی

حضرت فاطمه (س) الگوی تام و اکمل علم آموزی و توجه به علم است. از جمله در روایاتی مطرح شده که ایشان با فرشتگان مکالمه داشت. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۸۲؛ طبری آملی، ۱۴۱۳: ۸۰) این امر نشانگر تعلم عرفانی آن حضرت است. همچنین بر اساس برخی روایات، حضرت فاطمه (س) و امام علی (ع) به عنوان دو دریای علم معرفی شده‌اند. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۶۵/۱) ماهیت علوم منتسب به حضرت فاطمه (س) بسیار وسیع و تمامی حوادث گذشته و آینده را در بر گرفته است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۴۰-۲۴۲) از این رو به دلیل ماهیت غیبی علوم منتسب به ایشان، ظرفیت قدسی بی‌نظیری جهت خلق و بازتاب امر قدسی در رمان تاریخی وجود خواهد داشت.

در واقع اسلام از بنیان نوع نگاه جاهلی به زن را تغییر داد؛ چنان‌که سقفی برای صعود علمی زنان قابل تصور نیست. در عصر نبوی، زنان متاهل نیز می‌توانستند در مسجد حضور یابند و بی‌خبری و ناآگاهی‌شان را در محضر پیامبر اکرم (ص) بزدایند. در این‌باره بعضی از فقها نیز بر این اعتقاد دارند که خروج زن از منزل برای کسب معارف الهی و تعالیم دینی، نافرمانی از همسر و خلاف مصالح شوهرداری محسوب نمی‌شود. (نوری و دیگران، ۱۳۴۰: ۱۲۲).

ج) سیره عبادی حضرت فاطمه (س)

جنبه دیگر سیره‌ی عملی حضرت فاطمه (س) که در رمان تاریخی می‌تواند دست‌مایه‌ی پرداخت امر قدسی گردد، جایگاه عبادی و بندگی ایشان است. مسیر تعلیم و تعلم با انتخاب الگو هموارتر و ساده‌تر است. وجود یک نمونه‌ی تراز از رفتارهای آیینی، اخلاقی و سیاسی در میان زنان مسلمان می‌تواند نقش چشمگیری در طی طریق برای جامعه‌ی بانوان مسلمان داشته باشد. از این جهت، توجه و نگاه ویژه به سیره عبادی حضرت فاطمه (س) که خود مصداق بارز آیه‌ی تطهیر است، از دیگر نکات مهمی است که می‌توان در رمان‌های فاطمی از آن بهره برد. اهمیت جایگاه ایشان در کلام و فرمایشات اهل بیت (ع) نیز نمود قابل ملاحظه‌ای دارد. امام حسن عسکری (ع) در مورد جایگاه حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: «ما اهل بیت حجت خداوند بر انسان‌ها و مخلوقاتش هستیم و حضرت زهرا (س) حجت خدا بر ماست.» (مصباح، ۱۳۸۸: ۸۰/۱؛ هاشمی نژاد، ۱۳۹۷: ۸۰) امام زمان (عج) نیز در توقیعی فرمودند: «دختر رسول خدا برای من اسوه‌ی نیکویی است.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۷۹/۲)

جایگاه روحی و معنوی ایشان به گونه‌ای است که روح الامین بر وی نازل می‌شد. برخی از بزرگان معاصر، این امر را دایر بر شرافت و عظمت روحی حضرت زهرا (س) دانسته‌اند. (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۰/ ۴-۶) بر اساس برخی روایات به دلیل برتری سلوک حضرت فاطمه (س) بر جمیع زنان عالم، او را بتول لقب داده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵/ ۱۷۸-۱۷۹) در برتری ایشان همین بس که خلقت انسان و تمامی مخلوقات منوط به وجود وی دانسته شده است. (میرجهانی، ۱۳۸۴: ۲۸۳-۲۸۴) این موارد همگی بر اهمیت جایگاه حضرت فاطمه (س) نزد اهل بیت (ع) صحه می‌گذارد. از این‌رو توجه و نگاه ویژه به سیره عبادی حضرت فاطمه (س) که خود مصداق بارز آیه‌ی تطهیر است، از دیگر نکات مهمی است که می‌توان در رمان‌های فاطمی از آن بهره برد. (رودگر و شاکری راد، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

یکی از مصادیق بارز سیره اخلاقی حضرت فاطمه (س)، تسبیحات ایشان است. این امر بایستی فراتر از کلیشه‌ها و قالب‌های تکراری مورد توجه نویسندگان قرار گیرد تا اثرگذاری اجتماعی‌اش کمرنگ و سطحی نباشد. در واقع نباید اهمیت و جایگاه تسبیحات حضرت فاطمه (س) را یک رفتار دینی صرف و معمولی دانست. باید توجه داشت که تسبیح در تمام موجودات

هستی وجود دارد. انسان به جهت اتصاف روحش به خداوند، از تسبیح خاصی میان موجودات برخوردار است. از آنجا که انسان برای خداوند خلق شده، ضروری است تا انسان نیز حرکت تسبیحی داشته باشد تا بتواند با هستی ارتباط زنده برقرار کند. برای اینکه چنین حرکتی صورت گیرد انسان را در بطن و رحم دنیا قرار داده‌اند و دنیا را مزرعه‌ی آخرت نامیده‌اند، چراکه آغاز وجود انسان «آنا لله» و غایت او «الیه راجعون» است.

(د) سیره سیاسی حضرت فاطمه (س)

جنبه مهم و تأثیرگذار دیگر که به عنوان سیره‌ی عملی حضرت زهرا (س) می‌تواند مورد توجه نویسندگان برای بازتاب امر قدسی در رمان باشد، سیره سیاسی آن حضرت و چگونگی حضور ایشان در جامعه به عنوان شخصی قدسی و تأثیرگذار بر اجتماع است. توجه به تاریخ یعنی توجه به سیاست. بنابراین مطالعه‌ی تاریخ آمیخته با ادبیات، به نوعی کنش سیاسی است. می‌توان این کار را مطالعه‌ی یک اعلامیه‌ی سیاسی دانست. از آنجا که نقطه‌ی محوری زندگانی حضرت فاطمه (س) با پرتنش‌ترین و جنجالی‌ترین رخداد تاریخ صدر اسلام گره خورده، داستان‌نویسی پیرامون حضرت فاطمه (س) بدون توجه خاص و پردازش ادبی سیره‌ی سیاسی ایشان ابتر است. در این خصوص مطالعه رویکردهای تبیینی و مدافعه‌جویانه حضرت زهرا (س) برای پاسداشت از میراث نبوی، بسیار حایز اهمیت است. ایشان را می‌توان اولین حلقه‌ی مبارزه‌ی سیاسی در جهت پاسداشت دین و احیای معارف الهی در جریان سقیفه دانست. (طباطبائی، ۱۳۸۶: ۲۴۱) اولین رویکرد فاطمه زهرا (س) در این مبارزه دعوت از مهاجرین و انصار به دفاع از جایگاه امامت بود. (همان: ۲۴۳) مطالعه در خطبه فدکیه می‌تواند دیدگاه ایشان به امر سیاسی را از منظر قدسی برای رمان‌نویسی روشن نماید. ایشان جهت روشن نمودن جایگاه قدسی انسان، به تبیین حکمت آفرینش جهان و انسان پرداخت و سپس سیره‌ی عملی رسول اکرم (ص) و جایگاه والای ایشان در بهبود وضعیت مردم حجاز را گوشزد نمود. در حقیقت هسته‌ی اصلی گفتار حضرت فاطمه (س) در این بخش از خطبه، به منافع تسلیم بودن در برابر اوامر الهی اشاره دارد. (خلجی، ۱۳۸۵: ۳۱۴) روش دیگر حضرت فاطمه (س) که در اثنای خطبه جلب توجه می‌کند، شیوه افشاگری و برملا نمودن چهره‌ی واقعی اصحاب سقیفه است. وی دلیل اصلی نگرانی و خشم خود را اطفای نور الهی و ضایع شدن سنت نبوی اعلام نمود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۷/۱)

حضرت زهرا (س) حتی در هنگامه شهادت نیز تلاش وافر برای روشنگری و موضع‌گیری سیاسی جهت حفظ جایگاه امامت (تجلی امر قدسی) در سیاست نمود. ایشان در ملاقات نهایی با دو خلیفه اول انزجار و خشم خویش را اینگونه اعلام نمود: «خشنودی فاطمه از جنس خشنودی من است و خشم فاطمه از جنس خشم من است پس هر کس فاطمه دختر مرا دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود سازد مرا خشنود ساخته و هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است... من خدا و فرشتگان خدا را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین ساختید و رضایت مرا جلب نمودید و اگر پیامبر را ملاقات کنم حتماً از شما شکایت خواهم کرد» (سلطان الواعظین، ۱۳۶۶: ۷۱۲) ایشان در وصیت خود به امیرالمومنین دلیل دشمنی خود را به صراحت بیان نموده است: «نباید احدی از این مردمی که به من ظلم نمودند بر جنازه من حاضر شوند، زیرا آنها دشمن من و دشمن رسول خدا هستند و اجازه نده احدی از این جماعت و از یارانشان بر من نماز بگذارند.» (همان: ۷۱۳) در حقیقت در بیان ایشان دشمنی اصحاب سقیفه محدود به غصب قدرت شخصی نبود. از این‌رو تلاش زهرا (س) در امر سیاسی معطوف به روشنگری و تبیین جایگاه امر قدسی در جامعه مسلمین است. الگوهای ارائه



مقاله پژوهشی

شده در تبیین سیره آن حضرت می‌تواند رویه‌ی چگونگی پردازش امر قدسی در سیاست را در قالب رمان‌های تاریخی بازنمایی کند.

نتیجه

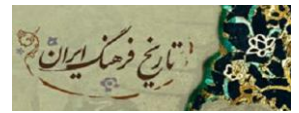
امروزه ادبیات و به طور ویژه قالب داستان‌نویسی و دنیای رمان، یکی از ابزارهای عرضه‌ی اندیشه‌ها و باورها محسوب می‌شود. این ابزار به دلیل درونمایه‌ی احساس‌محور و خیال‌انگیز، قابلیت و امکان بسیار زیادی به نویسندگان می‌دهد تا گفتارها و باورهایشان را در قالبی نوین و آمیخته با عواطف و احساسات عرضه کنند. این امکان می‌تواند اعم از رویدادهای مهم دینی و آیینی و یا شخصیت‌ها و افراد مهم و تاثیرگذار باشد. رمان‌های تاریخی-مذهبی، چه رویدادمحور و چه شخصیت‌محور نیز به دلیل وجود شخصیت‌های مقدس و محترم دارای ملاحظات و حساسیت‌های ویژه‌ای هستند. از میان شخصیت‌های تاریخ اسلام، حضرت فاطمه(س) جایگاه ویژه‌ای دارند و همین امر، تمرکز بیشتری روی شخصیت و زندگانی ایشان (چه در پرده‌ی سینما، چه در اشعار و چه در قالب رمان) را می‌طلبد.

با واکاوی در ادبیات داستانی روشن گردید که سه مانع مهم در بازتاب سیره آن حضرت در رمان‌های فاطمی وجود دارد. بهره‌گیری از سه سبک حاشیه‌نویسی، محاوره‌نویسی و خطبه‌نگاری بدون برخوردارگی از مهارت‌های لازم در انتقال مضامین قدسی، می‌تواند آسیب جدی به فقرات داستان و رمان وارد کند. از این رو ضروری است نویسنده رمان فاطمی سه راهکار مهم از جمله فلسفه رمان‌نویسی، مقوله‌بندی امر قدسی و سپس ابزارها و تکنیک‌های لازم در انتقال آن را مدنظر خویش قرار دهد.

اولین راهکار در انتقال مضامین قدسی، کسب دانش فلسفه رمان‌نویسی توسط نویسنده است. نادیده گرفتن این امر منجر به استفاده نادرست از داده‌ها و محتوای تاریخی در رمان‌های فاطمی خواهد شد. چنانکه در هر یک شیوه‌های حاشیه‌نویسی، محاوره‌نویسی و خطبه‌نگاری ضعف داده‌های تاریخی به وضوح قابل مشاهده است. در این گونه رمان‌ها ترسیم وقایع تاریخی و شرایط اجتماعی جامعه آن روز به درستی انجام نیافته است. از این رو ضروری است نویسنده رمان فاطمی، با رویکردهای جامعه‌شناختی و روانشناختی نیز آشنا باشد تا بتواند با استفاده از داده‌های تاریخی، مضامین قدسی را در فضایی سمبلیک ترسیم کرده و انتقال آن را به مخاطبان سهل، آسان و فراگیر کند.

راهکار دوم، مقوله‌بندی امر قدسی در رمان‌نویسی است. این امر چندان دشوار نیست؛ زیرا مضامین امر قدسی در سیره آن حضرت متعدد است و هر یک از آنها را می‌توان به عنوان محور کانونی در ابیات داستانی و رمان‌های فاطمی قرار داد. مضامینی مانند گفتگوی جبرائیل با فاطمه زهرا(س)، نزول غذای بهشتی بر فاطمه زهرا(س)، فاطمه نوری در قلب پیامبر اکرم(ص)، استشمام بوی بهشت از فاطمه زهرا(س)، دل و اعضای فاطمه زهرا(س) سرشار از ایمان و یقین، ظاهر شدن نور فاطمه(س) بر ملائکه به هنگام عبادت، فاطمه زیباتر از حسن خلق و فاطمه‌ی بتول بیانگر اسوگی آن حضرت برای تمام بشریت است؛ چنان که به عنوان اسوه‌ی نیکو و حجت خدا بر اهل بیت نیز معرفی شده است.

با وجود این، نقطه کانونی و محوری در میان مصادیق امر قدسی در سیره حضرت فاطمه(س) یکتاپرستی آن حضرت است که نقطه اوج آن در تسبیحات آن حضرت بازتاب یافته است. این امر را می‌توان با نگاهی خلاقانه و فارغ از کلیشه‌ها، به هسته‌ی مهم رمان و ادبیات داستانی تبدیل کرد. تسبیحات حضرت فاطمه(س) نه تنها محدود به توحید نظری نیست؛ بلکه می‌توان



آن را با توحید عملی مرتبط دانست. از این رو رفتار سیاسی آن حضرت در دایره توحید نظری و عملی تفسیر می شود. چنان که مصداق بارز آن در رویکرد تبیینی حضرت زهرا (س) در پاسداشت میراث نبوی و دفاع از حریم امامت و ولایت امیرالمومنین علی (ع) بازتاب یافته است. از این رو بینش سیاسی ایشان و کنشگری فعال آن حضرت در روزهای پرتنش و بحرانی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) می تواند به عنوان سومین محور سیره و زندگانی حضرت فاطمه (س) مورد توجه قرار گیرد. این امر در داستان نویسی و آفرینش یک اثر ادبی قابل ملاحظه است. به عبارتی دیگر این جنبه از سیره سیاسی آن حضرت را می توان به عنوان یک اعلامیه سیاسی در ادبیات داستانی و رمان های فاطمی وارد نمود.

راهکار سوم، چگونگی پرداختن به محورهای سیره آن حضرت و مضامین قدسی است. این امر هنگامی امکان پذیر خواهد بود که نویسنده از دانش تکنیک ها و ابزارهای بازتاب امر قدسی در ادبیات داستانی برخوردار باشد و بتواند به درستی آن را در رمان بازتاب دهد و به کاربرست مطلوبی دست یابد.

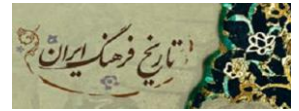
مضامین قدسی در زندگانی و سیره حضرت زهرا (س) می تواند در سه محور بستر ایده آلی جهت خلق رمان های تاریخی- مذهبی باشد. محور اول که می تواند در رمان نویسی مطلوب واقع شود، جایگاه ایشان نزد پیامبر اکرم (ص) و میزان توجهی است که پدرشان نسبت به ایشان داشتند. تمرکز نویسنده بر جایگاه حضرت فاطمه (س) نزد پیامبر اکرم (ص) و موسع کردن این مطلب می تواند از نظر احساسی روی جامعهی مخاطب تاثیر قابل توجهی داشته باشد و با مقایسهی ناچیز بودن جایگاه زن در جاهلیت و توجه ویژه پیامبر اکرم (ص) به دخترشان، بخشی از تبلیغات علیه جایگاه زنان در اسلام خنثی گردد. محور دوم که برای داستان نویسی دارای اهمیت است، سیرهی عبادی ایشان و بعد معنوی آن حضرت است. این امر با توجه به ضرورت وجود اسوه های اخلاقی و عبادی و با توجه به کثرت الگوهای رفتاری برای جامعهی مردان و کمبود آن برای جامعهی زنان، اهمیت ویژه ای دارد. سومین محور زندگانی حضرت فاطمه (س) که در داستان نویسی دارای اهمیت است، بینش سیاسی ایشان و کنشگری فعال آن حضرت در روزهای پرتنش و بحرانی بعد از رحلت پیامبر (ص) است که می تواند در آفرینش یک اثر ادبی قابل ملاحظه باشد

تضاد منافع

بدین وسیله نویسندگان اعلام می دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

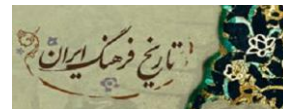
منابع

۱. ابن شهر آشوب (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب، محقق/مصحح: آشتیانی، محمدحسین و هاشم رسولی، قم: علامه.
۲. ابن ماجه، ابوعبدالله محمد قزوینی (بی تا)، سنن، ج ۱، (محقق محمد فؤاد عبدالباقی)، چاپ اول، بی جا: دار احیاء الکتب العربیه.
۳. ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷)، مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين و الأئمه، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج)، چاپ اول.
۴. اخطاب خوارزم، موفق بن احمد (۱۳۸۱)، مقتل الحسین علیه السلام، تحقیق محمد سماوی، بی جا: انوار الهدی.
۵. باقری، زهرا، (۱۳۹۹)، نانا، تهران: انتشارات شهید کاظمی.



مقاله پژوهشی

۶. بخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، ج ۱، دمشق: دار طوق النجاة.
۷. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۰)، فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم(ع)، بیروت: مؤسسه محمودی.
۸. خلجی، محمد تقی (۱۳۸۵)، ترجمه و شرح خطبه حضرت زهرا (س)، بی جا: رخساره خورشید.
۹. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. رودگر، محمدجواد و مائده شاکری راد (۱۳۹۰)، «زهرا آسمان، زهراى زمین: تبیین عرفانی مقام فاطمه زهرا (س)»، پژوهش نامه معارف قرآنی، دوره ۲، شماره ۶، صفحات ۱۱۵-۱۳۲.
۱۱. سلطان الواعظین، محمد (۱۳۶۶)، شب‌های بیشاور، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. شجاعی، سید مهدی (۱۴۰۰)، کشتی پهلوگرفته، چاپ پنجاه و ششم، تهران: انتشارات کتاب نیستان.
۱۳. شریف رضویان، مریم (۱۴۰۳)، به امید دیدار، آستان قدس رضوی: انتشارات به نشر.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۱۵. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۷)، معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری.
۱۷. صادقی، اکرم (۱۳۹۹)، شبیه مریم، قم: جمکران.
۱۸. طباطبائی، سید علی (۱۳۸۶)، انسان کامل، قم: مطبوعات دینی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۰. طبرسی، ابی منصور أحمد بن علی بن ابی طالب (۱۳۸۶)، الاحتجاج، نجف: مطابع النعمان النجف الأشرف حسن الشیخ ابراهیم الکتبی.
۲۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳)، دلائل الامامه، قم: بعثت.
۲۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱)، الغیبه للحجه، مصحح: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف الإسلامیه.
۲۳. عسکری، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی تصویرسازی زندگی حضرت فاطمه زهرا(س) در نسخه‌های چاپ سنگی طوفان البکاء»، فصلنامه علمی نگره، دوره ۱۰، شماره ۳۴، صفحات ۵-۲۱.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، جامی از زلال کوثر، تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره).
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. میرجهانی طباطبایی، سید محمدحسن (۱۳۸۴)، جنه العاصمه در تاریخ ولادت و حالات حضرت فاطمه(س)، تحقیق سید مهدی رجائی، مشهد: بیت الزهراء.

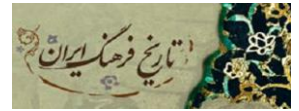


۲۸. نظری خرم، علیرضا (۱۴۰۰)، داستان فاطمه، قم: کتابستان معرفت.
۲۹. نوری، یحیی و دیگران (۱۳۴۰)، حقوق و حدود زن در اسلام، چاپ ششم، تهران: انتشارات شمس.
۳۰. هاشمی نژاد، اکرم السادات (۱۳۹۷)، «فاطمه زهرا(س) حقیقت لیلیه القدر»، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۶۳، صفحات ۷۵-۸۴.

آوانگاری منابع

کتاب‌ها (Books)

1. Ibn Shahrashub, M. ibn A. (1379). *Manāqeb Āl Abī Ṭālib* (M. H. Ashtiyani & H. Rasuli, Eds.). Qom: Allameh Publications.
2. Ibn Mājah, A. 'A. M. ibn Yazid al-Qazvini. (n.d.). *Sunan* (Vol. 1; M. F. 'Abd al-Bāqi, Ed.). Dar Ihyā' al-Kutub al-'Arabiyya.
3. Ibn Shadhan, M. ibn A. (1407). *Mi'at manqaba min manāqeb Amīr al-Mu'minīn wa al-a'imma*. Qom: Madrasa-ye al-Imam al-Mahdi ('aj).
4. Akhtab Khwarazm, M. ibn A. (1381). *Maqatal al-Husayn ('alayhi al-salām)* (M. Samawi, Ed.). Anwār al-Hudā.
5. Bagheri, Z. (1399). *Nāta*. Tehran: Shahid Kazemi Publications.
6. Al-Bukhari al-Ju'fi, M. ibn I. A. 'A. (1422 AH). *Sahih al-Bukhari* (M. Z. ibn N. al-Nasir, Ed.; Vol. 1). Damascus: Dar Tawq al-Najah.
7. Hamuyi Juwayni, I. ibn M. (1400). *Farā'id al-simtayn fī faḍā'il al-Murtadā wa al-Batul wa al-Sibtayn wa al-a'imma min dhurriyyatihim ('a)*. Beirut: Mu'assasat Mahmudī.
8. Khalaji, M. T. (1385). *Tarjomeh va sharh-e khutbeh-ye Hazrat-e Zahra (s)*. Rokhsareh-ye Khorshid.
9. Khomeini, R. (1389). *Sahifeh-ye Imam*. Tehran: Mo'asseseh-ye Tanzim va Nashr-e Asar-e Imam Khomeini.
10. Soltan al-Wa'ezin, M. (1366). *Shabhā-ye Pishāvar*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
11. Shojaei, S. M. (1400). *Kashti-ye pahlū gerefteh* (56th ed.). Tehran: Neyestan Publications.
12. Sharif Razavian, M. (1403). *Be omid-e didār*. Astan-e Qods-e Razavi: Be Nashr Publications.
13. Shaykh Saduq, M. ibn 'A. ibn Babawayh. (1362). *Al-Khisāl* (A. A. Ghaffari, Ed.). Qom: Jame'eh-ye Modarresin.
14. Shaykh Saduq, M. ibn 'A. ibn Babawayh. (1377). *Ma'āni al-akhbār* (Trans. A. M. Shahroudi). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
15. Shaykh Saduq, M. ibn 'A. ibn Babawayh. (1385). *Ilal al-sharā'i'*. Qom: Davari Bookstore.
16. Sadeghi, A. (1399). *Shabih-e Maryam*. Qom: Jamkaran Publications.
17. Tabataba'i, S. 'A. (1386). *Ensān-e kāmél*. Qom: Matbu'āt-e Dini.
18. Tabrasi, F. ibn H. (1372). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Naser Khosrow Publications.



19. Tabrasi, A. M. A. ibn 'A. ibn A. T. (1386). *Al-Ihtijāj*. Najaf: Matabi' al-Nu'man.
20. Tabari Amoli Saghir, M. ibn J. ibn R. (1413). *Dalā'il al-imāmah*. Qom: Be'that Publications.
21. Tusi, M. ibn H. (1411). *Al-Ghaybah lil-hujjah* ('A. Tehranī & 'A. A. Nasih, Eds.). Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyya.
22. Kulaini, M. ibn Y. (1407). *Al-Kāfi* ('A. A. Ghaffari & M. Akhundi, Eds.). Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya.
23. Mesbah-Yazdi, M. T. (1388). *Jāmi az zolāl-e Kowsar* (M. B. Heydari, Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
24. Makarem Shirazi, N. (1371). *Tafsīr-e nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
25. Mirjahani Tabataba'i, S. M. H. (1384). *Jannat al-āsima dar tārikh-e velādat va ahvāl-e Hazrat-e Fatemeh (s)* (S. M. Raja'i, Ed.). Mashhad: Bayt al-Zahra.
26. Nazari Khorram, A. (1400). *Dāstān-e Fatemeh*. Qom: Ketabestan-e Ma'refat.
27. Nouri, Y., et al. (1340). *Hoquq va hodud-e zan dar Eslām* (6th ed.). Tehran: Shams Publications.

Journal Articles (مقاله‌ها)

28. Rudgar, M. J., & Shakeri-Rad, M. (1390). Zohreh-ye āsmān, Zahrā-ye zamin: Tabyin-e 'erfāni-ye maqām-e Fatemeh Zahra (s). *Pazhuheshnameh-ye Ma'āref-e Qur'āni*, 2(6), 115–132.
29. Askari, F. (1394). Barrasi-ye tasvirsāzi-ye zendegi-ye Hazrat-e Fatemeh Zahra (s) dar noskhehā-ye chāp-e sangi-ye Tufān al-Bokā'. *Faslnameh-ye Elmi Negareh*, 10(34), 5–21.
30. Hashemi-Nejad, A. S. (1397). Fatemeh Zahra (s): Haghghat-e Laylat al-Qadr. *Faslnameh-ye Qur'āni-ye Kowthar*, (63), 75–84.